

بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت خانوادگی

اسداله بابایی فرد^{۱*}، امین حیدریان^۲

چکیده

این پژوهش بر مبنای مجموعه‌ای از نظریات در حوزه‌ی خشونت خانوادگی به بررسی تأثیر برخی از عوامل اجتماعی بر خشونت خانوادگی در میان ساکنان شهر کاشان پرداخته است. در این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده و جامعه‌ی آماری آن شهروندان ۱۸ تا ۵۰ ساله‌ی شهر کاشان بوده است. حجم نمونه‌ی پژوهش، با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۰۰ نفر تعیین شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که بین حمایت اجتماعی، کیفیت ارتباطات خانوادگی، ارزش‌های معنوی و خانوادگی و رضایت‌مندی اقتصادی خانواده با میزان خشونت خانوادگی، رابطه‌ی معناداری در سطح ۹۹ درصد وجود دارد. هم‌چنین، تحلیل چندمتغیره و تحلیل مسیر نشان می‌دهند که متغیرهای حمایت اجتماعی و ارزش‌های معنوی و خانوادگی، به صورت مستقیم، و متغیرهای کیفیت ارتباطات خانوادگی و رضایت‌مندی اقتصادی خانواده، به صورت غیرمستقیم با خشونت خانوادگی در ارتباط بوده‌اند. در پایان، پیشنهادهای پژوهش ارائه شده است. در این پژوهش، پیشنهاد ما این بوده است که نهادهای رسمی و غیررسمی، با افزایش حمایت‌های اجتماعی و تقویت زمینه‌های معنوی و فرهنگی، زمینه‌های لازم را برای رویارویی با نابهنجاری‌های خانواده، به ویژه خشونت خانوادگی، فراهم کنند.

واژه‌های کلیدی: خشونت خانوادگی، حمایت اجتماعی، کیفیت ارتباطات خانوادگی، ارزش‌های معنوی و خانوادگی، رضایت‌مندی اقتصادی خانواده.

^۱ - استادیار دانشگاه کاشان، گروه علوم اجتماعی، کاشان، ایران

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه کاشان، گروه علوم اجتماعی، کاشان، ایران.

* - نویسنده‌ی مسئول مقاله: saeedbfm@yahoo.com

مقدمه

خشونت خانوادگی^۱ از مهم‌ترین موضوعات در بررسی مسایل اجتماعی در جوامع به شمار می‌آید. امروزه مطالعات آسیب‌شناختی در زمینه‌ی خشونت خانوادگی در کانون توجهات جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و برنامه‌ریزان قرار دارد. در سال‌های اخیر، خشونت خانوادگی با گونه‌های متفاوت آن، یعنی همسرآزاری^۲، کودک‌آزاری^۳ و سالمندآزاری^۴، از گسترش روزافزونی برخوردار بوده است. اما از این میان، خشونت علیه زنان در محیط خانواده از شایع‌ترین خشونت‌های خانوادگی است که به اشکال متفاوت مانند خشونت جسمی، جنسی، روانی، اجتماعی، اقتصادی و ... بروز و ظهور داشته و آثار و پیامدهای مخرب روانی و اجتماعی را در بردارد. این پدیده نخستین بار در دهه‌ی هفتاد میلادی و با مطرح شدن و ورود مفاهیمی چون دموکراسی، آزادی و برابری به حوزه‌ی خصوصی، به صورت یک موضوع علمی در آمد (Eezazi, 2004b). از آن زمان به بعد رشته‌های متفاوتی در حوزه‌های علوم انسانی، اجتماعی و رفتاری این موضوع را از دیدگاه‌های متنوع مورد بررسی علمی قرار دادند تا جایی که امروزه از آن به عنوان موضوعی میان‌رشته‌ای نام برده می‌شود. در ایران نیز از دهه‌ی هفتاد شمسی پژوهش‌های علمی در این زمینه آغاز شده و پس از مدتی به موضوع همایش‌ها و سخنرانی‌های مختلفی بدل گشت.

خشونت رفتاری است که با هدف آسیب رساندن به دیگری از کسی سر می‌زند و دامنه‌ی آن از تحقیر و توهین، تجاوز و ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی و قتل گسترده است. خشونت، رفتاری است که در همه‌ی کشورها مشاهده می‌شود و بر قربانیان فراوان آن همه‌روزه افزوده و موجب اضطراب مردم و احساس ناامنی آن‌ها، به ویژه گروه‌های ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتری مانند زنان، کودکان، سالخوردگان و گروه‌های اقلیت که قربانیان ستم‌پذیرتر نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی‌اند، می‌شود. اما گستردگی و فزاینده‌ی انواع خشونت در جامعه، علاوه بر قربانیان مستقیم آن، نزدیکان و دوستان قربانیان را نیز متأثر می‌کند و امنیت اجتماعی و سلامت روانی مردم را به خطر می‌افکند (Seddigh Savenstani, 2007).

خشونت خانوادگی، شایع‌ترین نوع خشونت در سراسر جهان است، که به رغم تفاوت‌های فرهنگی، دینی، اقتصادی و اجتماعی بین ملت‌ها و فرهنگ‌ها، تمامی مرزهای جغرافیایی و سیاسی را درنوردیده و به پدیده‌ای جهانی، فراتاریخی و فرافرهنگی بدل شده است. امروزه، خشونت خانوادگی، به یک پدیده‌ی جهان‌شمول مبدل گردیده و تأثیرات آن باعث نابه‌سامانی‌های مختلف در

1. Domestic Violence, Domestic abuse

2. Spousal Abuse

3. Child Abuse

4. Elder Abuse

جوامع و فرهنگ‌های جهان گردیده است. از این رو بیش‌ترین قربانیان خشونت را در جهان، قربانیان خشونت خانوادگی تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر، خشونت خانوادگی رابطه‌ی تنگاتنگ و متقابلی با خشونت اجتماعی دارد، که گاه علت و گاهی نیز معلول آن است (Monir et al, 2008).

تعاریف متعددی از مفهوم خشونت خانوادگی ارائه شده است. برای مثال در تعریفی گفته شده است که *خشونت خانوادگی عبارت است از خشونت‌هایی که در محیط خصوصی به وقوع می‌پیوندد و عموماً میان افرادی رخ می‌دهد که به سبب صمیمیت، ارتباط خونی یا قانونی به یکدیگر پیوند خورده‌اند* (Heydari, Delkhash, 2005). و یا *خشونت خانوادگی، رفتار خشن یکی از اعضای خانواده (معمولاً مردان) نسبت به سایر اعضا می‌باشد* (Eezazi, 2001). اما سوزان شکتیر^۱ و آنه گنلی^۲ یکی از جامع‌ترین و کامل‌ترین تعاریف موجود را ارائه داده‌اند. از نظر آن‌ها خشونت خانوادگی عبارت است از *الگویی از رفتارهای تهاجمی و سرکوب‌گرانه، شامل حملات فیزیکی (جسمی)، جنسی و روانی و همچنین اعمال فشار و تهدید اقتصادی توسط هر فرد بالغ و جوان نسبت به فردی که با او ارتباط نزدیک و تنگاتنگی دارد* (Pournaghash Tehrani, 2005).

انواع بسیار متفاوتی از خشونت خانوادگی وجود دارد، که مهم‌ترین آن‌ها همسرآزاری، کودک‌آزاری و سالمندآزاری هستند. همچنین، این خشونت‌ها ممکن است در آشکالی مانند ۱. *آزار کلامی* (ایراد گرفتن، تهدید کردن و اسم روی افراد گذاشتن)، ۲. *آزار غیرکلامی نمادین* (له کردن چیزی، از بین بردن و شکستن اشیاء و ابزار، پاره کردن عکس‌ها و صحبت نکردن یا جواب ندادن)، ۳. *بی‌توجهی* (کوتاهی در تأمین مراقبت، خوراک، بهداشت و فضای سالم) و ۴. *آزار جنسی* (تجاوز) بروز و ظهور داشته باشند (Seddigh Savenstani, 2007). در خصوص عواملی که در ایجاد خشونت خانوادگی در جوامع نقش دارند، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که بر مجموعه‌ای از عوامل روانی، اجتماعی و اقتصادی تأکید دارند، که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به نظریات نظارت اجتماعی، شبکه‌ی روابط خانوادگی و نظریه‌ی منابع اشاره کرد.

در سال‌های اخیر، با توجه به فراگیری روزافزون پدیده‌ی خشونت‌های خانوادگی و تأثیرات منفی آن بر نهاد خانواده و در نتیجه تضعیف انسجام اجتماعی در جامعه ضرورت انجام پژوهش‌هایی علمی از این دست را بیش از پیش آشکار ساخته است. موضوعی که جامعه‌ی فعلی ایران نیز از آن مستثنی نبوده و ما را نیازمند بررسی‌های بسیاری در این زمینه ساخته است. در این پژوهش سعی داریم تا میزان تأثیر برخی از عوامل را بر این پدیده بسنجیم. در واقع این‌که تا چه حد عواملی همچون حمایت‌های اجتماعی، ارتباطات خانوادگی، عوامل اقتصادی و ... بر خشونت‌های خانوادگی

1. Susan Schechter

2. Anne Ganley

(مانند خشونت در میان والدین، فرزندان و والدین و فرزندان) مؤثرند، پرسشی است که در این پژوهش در صدد پاسخ به آن هستیم.

مبانی و چارچوب نظری این پژوهش شامل مجموعه‌ای از نظریه‌ها (از جمله نظریه‌ی زمینه‌ی فرهنگی، نظریه‌ی شبکه‌ی روابط خانوادگی و نظریه‌ی پیوند اجتماعی) مرتبط با مفهوم خشونت خانوادگی است که در ادامه به آن پرداخته شده است.

نظریه‌ی نظارت اجتماعی^۱: این نظریه بر وجود رفتار خشونت‌آمیز در انسان، چه دارای انگیزه‌های درونی باشد و چه از طریق عوامل محیطی به وجود آید، تأکید می‌کند. از اصول و نکات کلیدی این نظریه می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. افراد برای رسیدن به هدفی یا دستیابی به اقتدار در برابر دیگران به استفاده از زور و قدرت تمایل دارند؛ ۲. نظارت اجتماعی جامعه همواره به مثابه‌ی مانعی در سر راه اقتدار و خشونت قرار می‌گیرد (Eezazi, 2001). در واقع این نظریه بر رابطه‌ی جامعه - خانواده تأکید دارد و علت رفتار خشن را نه تنها مجاز دانستن خشونت از سوی جامعه در نظر می‌گیرد، بلکه از آن‌جا که در جامعه، خانواده به عنوان محدوده‌ای خصوصی مطرح است، برای دولت امکان نظارت بر رفتار افراد در این محدوده‌ی خصوصی وجود ندارد. براساس این نظریه، نگرش‌های اجتماعی در مورد خانواده بدین شکل است که تقسیم اقتدار خاصی را براساس جنس می‌پذیرد و نقش زن و مرد نیز تعیین شده است. زنان (و کودکان) نباید رفتاری انجام دهند که مطابق میل فرد مقتدر خانواده نباشد، زیرا در این حالت او را مجبور به انجام دادن رفتار خشن می‌کنند. به عبارت دیگر، زنان و کودکان باید مطابق میل مرد رفتار کنند تا خشونت در خانواده ظهور نکند. این نگرش همراه با عدم نظارت دولتی بر محدوده‌ی خصوصی خانواده به مردان اجازه می‌دهد که رفتاری خشن داشته باشند (Eezazi, 2004a).

نظریه‌ی شبکه‌ی روابط خانوادگی^۲: الیزابت بات در چارچوب این نظریه به ارائه‌ی دو الگوی متفاوت از روابط خانوادگی می‌پردازد. او الگوی اول را *مناسبات تفکیکی نقش‌های زن‌شویی* نام‌گذاری کرده است. این الگو روابطی را توضیح می‌دهد که در آن، زن و شوهر قائل به تفاوت واضحی در وظایف خود هستند و نقش‌های خانوادگی را به دقت تفکیک کرده و منافع، علایق و فعالیت‌های جداگانه‌ای دارند. بات از الگوی دوم با عنوان *مناسبات نقش‌های مشترک* نام می‌برد که نقطه‌ی مقابل نظریه‌ی تفکیک نقش‌های پارسونز است. در این نوع از مناسبات، زن و شوهر در اکثر فعالیت‌ها با هم هم‌کاری و هم‌فکری دارند و تضاد منافع و علایق‌شان حداقل است. در مجموع بات در این نظریه چنین نتیجه می‌گیرد که در خانواده‌هایی که تقسیم وظایف در آن‌ها به شکل سنتی است، شبکه‌ی روابط خانوادگی و اجتماعی به صورت متصل و محدود ظاهر می‌شود، اما زن و

1. Social Bond

2. The Nrtwork of Family Relations

شوهری که به صورت مشارکتی زندگی می‌کنند دارای شبکه‌ی اجتماعی پراکنده‌اند و در این حالت خشونت به حداقل می‌رسد (Maleki, Nezhadsabzi, 2010).

نظریه‌ی زمینه‌ی فرهنگی^۱: از دیدگاه این نظریه، فرهنگ به مثابه‌ی میراث اجتماعی گذشته بر رفتار کنونی و آینده‌ی انسان تأثیر می‌گذارد. مهم‌ترین مفهومی که در این نظریه از آن یاد می‌شود هماهنگی فرهنگی است. براساس این مفهوم، میان ارزش‌های اساسی یک جامعه و پدیده‌ای اجتماعی مانند خشونت ارتباط و هماهنگی برقرار است. دلباش و دوباش ارتباط مشخصی میان رفتار خشونت‌آمیز مردان نسبت به زنان و هنجارهای اجتماعی یافته‌اند. مردانی که با همسران خود بدرفتاری می‌کنند، در فرهنگی زندگی می‌کنند که در آن حاکمیت مردان بسیار بیش‌تر از زنان است. از ویژگی‌های دیگر این فرهنگ تأیید پرخاشگری مردان، وجود حاکمیت مردانه و فرمان‌برداری زنان است. بنابراین در جوامع پدرسالارانه استفاده از قدرت برای ثبات و برقراری امتیازات مردان، دارای مشروعیت است؛ و هم‌چنین والدینی که با کودکان خود برخورد فیزیکی دارند به ندرت گمان می‌برند که عمل خلافی انجام می‌دهند، بلکه در اثر حمایت هنجارهای عمومی جامعه معتقد می‌شوند رفتارشان بر طبق هنجارهای اجتماعی است (Eezazi, 2001; Eezazi, 2004a).

نظریه‌ی بحران معنویت^۲: این نظریه معتقد است که دین اثر بازدارندگی و پیش‌گیری از جرائم را دارد. تحقیقات انجام شده در این زمینه نیز نشان می‌دهند که ارتباط معناداری میان دین‌داری و رفتار پیش‌گیرانه از جرائم وجود دارد. برای نمونه استارک و همکارانش در تحقیق خود اثر بازدارندگی دین‌داری را در ارتکاب جرائم نشان می‌دهند. به اعتقاد آن‌ها، قدرت پیش‌گیری‌کننده‌ی دین نسبت به کنش‌های مجرمانه در اجتماعات مذهبی و اخلاقی از اجتماعات غیرمذهبی بیش‌تر است (Abbott, Wallace, 2001).

نظریه‌ی منابع^۳: نظریه‌ی منابع یکی از اولین نظریه‌هایی است که ویلیام گود در سال ۱۹۷۱ مطرح ساخت. براساس این نظریه، نظام خانواده مانند هر نظام یا واحد اجتماعی دیگر، دارای نظام اقتداری است و هرکس به منابع مهم خانواده (مانند شغل، تحصیلات، درآمد، مهارت و اطلاعات) بیش‌تر از دیگران دسترسی داشته باشد، می‌تواند سایر اعضا را به فعالیت در جهت امیال خود وادارد و تصمیم‌گیری‌های مهم با اوست. از نظر گود افراد بسیار قدرتمند خانواده کم‌تر از دیگران به اعمال قدرت از طریق خشونت بدنی دست می‌زنند زیرا منابع متعدد دیگری دارند که از طریق آن‌ها قادر به اعمال قدرتند. اما در میان افرادی که دارای ضعف اجتماعی و اقتصادی هستند تنها منبع قدرت، برخورد فیزیکی است (Eezazi, 2001). در مجموع افرادی که به منابع مهم خانواده

1. Cultural Field

2. Religious Tension

3. Sources

دست‌رسی دارند، با/اقتدار بالا و افرادی که به این منابع دست‌رسی ندارند با خشونت فیزیکی، سعی در هم‌سو کردن نظر اعضای خانواده با نظر و امیال خود دارند.

نظریه‌ی فشار اقتصادی^۱: این نظریه بیان می‌دارد که عواملی همچون فشارها و معضلات اقتصادی، عدم تأمین نیازهای خانواده، دشواری و سنگینی مسؤلیت‌های شغلی، موجب می‌شود مرد در برابر خواسته‌های همسر و فرزندان شکیبایی خود را از دست بدهد و دچار عصبانیت، اضطراب، کج‌خلقی، کم‌حوصلگی و نهایتاً خشونت شود. مشکلات اقتصادی نه تنها در تبیین پدیده‌های چون خشونت خانوادگی، بلکه در بروز بیش‌تر آسیب‌های اجتماعی مؤثر هستند. به عبارت دیگر، مسائل اقتصادی هم‌چون بیکاری، سطح اندک درآمد، بحران اقتصادی خانواده، عدم رضایت شغلی و رسیدگی‌های اجتماعی ناشی از محدودیت منابع زمینه‌ی خشونت را فراهم می‌آورد (Abbott, Wallace, 2001). از طرف دیگر، ممکن است خشونت خود راهی برای برخورد با این فشارها باشد. تحقیقات نشان می‌دهند که خانواده‌های فقیر و کم‌درآمد خشونت‌های خانوادگی بیش‌تری را تجربه می‌کنند و این امر به علت فشار و تنش‌هایی است که در موقعیت بی‌کاری، فقر و کمبود درآمد ایجاد می‌شود. البته موضوع خشونت خانوادگی در میان طبقات دیگر (طبقات متوسط و بالا) نیز وجود دارد، اما این طبقات بیش‌تر قادرند این مسایل را پنهان کنند (Mohammadi, Mirzaie, 2012).

در سال‌های اخیر میزان پژوهش‌هایی که با موضوع خشونت خانوادگی (چه در جهان و چه در ایران) انجام شده‌اند، از رشد بالایی برخوردار بوده است، که از آن جمله می‌توان به پژوهشی با عنوان *حمایت اجتماعی برای زنی که مورد خشونت جنس مخالف قرار گرفته*، اشاره کرد که توسط دونهام در سال ۱۹۹۷ انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان دادند که بیش‌تر کمک‌ها و حمایت‌های دریافت‌شده از سوی دوستان بوده و هم‌چنین، حمایت اجتماعی جز با بُعد فیزیکی با دیگر ابعاد خشونت رابطه‌ی معناداری داشته است (Dunham, 1997). پژوهش دیگری با عنوان *خشونت خانوادگی در زندگی زنان دریافت‌کننده‌ی خدمات اجتماعی (سلامت ذهنی، وابستگی جنسی و رفاه اقتصادی)*، توسط ریچارد تولمن و دنیل روزن در سال ۲۰۰۱ انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که میان متغیرهای *اختلال سلامت روانی، اختلال سلامت فیزیکی و محرومیت مادی* با *خشونت خانوادگی* ارتباط معناداری وجود دارد اما بین *اشتغال و وضعیت رفاهی* با *خشونت خانوادگی* ارتباط معناداری دیده نشده است (Tolman, 2001).

پژوهش دیگری با عنوان *خشونت خانوادگی و رفتار منحرف*، توسط نرؤود و همکارانش در سال ۲۰۰۴ انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که بیش‌تر مردانی که دست به خشونت

^۱. Economic Stress

خانوادگی می‌زنند، به طور هم‌زمان یک یا چند عمل انحرافی را نیز انجام می‌دهند. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که اگرچه میزان رفتار انحرافی مردانی که خشونت خانوادگی نداشتند بالا بوده، اما میزان رفتار انحرافی مردانی که خشونت خانوادگی داشتند در سطح بالاتری قرار داشته است (Norwood et al, 2004).

پژوهشی دیگر نیز با عنوان *اهمیت روحیه‌ی مذهبی بر زندگی بازماندگان خشونت خانوادگی*، توسط گیلان و همکارانش در سال ۲۰۰۶ انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که، اولاً، بین *حمایت اجتماعی* (با رابطه‌ی مستقیم) و *نژاد* (با رابطه‌ی غیرمستقیم) با *پای‌بندی مذهبی* ارتباط معناداری وجود دارد و، ثانیاً، بین *تعداد فرزندان/ زنان با عزت نفس بالا* و *میزان افسردگی* پایین هم‌بستگی معناداری وجود دارد (Gillum et al, 2006). رسکو نیز در پژوهشی با عنوان *خشونت علیه زنان در روابط زناشویی: بررسی اشتراکات نژاد، طبقه و جنسیت*، که در سال ۲۰۰۷ انجام داده، به بررسی رابطه‌ی میان *پایگاه اقتصادی - اجتماعی* و *خشونت خانوادگی* می‌پردازد. نتایج پژوهش او نشان می‌دهد که با افزایش منابع اقتصادی زنان، خشونت فیزیکی علیه آن‌ها کاهش می‌یابد (Resco, 2007).

اما در ایران نیز پژوهش‌هایی در حوزه‌ی خشونت خانوادگی انجام شده‌اند که در این جا به چند نمونه از آن‌ها می‌پردازیم. پژوهشی با عنوان *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان* (مطالعه‌ی شهرستان رونسر)، توسط محمدی و میرزایی در سال ۱۳۸۹ انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین *تصور اقتدارگرایانه‌ی مرد از نقش خود و تجربه‌ی خشونت زن و مرد در خانواده‌ی مبدأ* با خشونت علیه زنان رابطه‌ی معنادار و مستقیم وجود دارد. اما بین *کمک و همکاری شوهر در کارهای منزل* با خشونت علیه زنان رابطه‌ی معکوس و معناداری مشاهده شده است (Mohammadi, Mirzaie, 2012).

پژوهش دیگری با عنوان *عوامل اجتماعی و خشونت خانوادگی در بین خانواده‌های شهر تبریز*، توسط صداقت و زرینیان در سال ۱۳۸۷ انجام شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که خشونت خانوادگی با متغیرهای *نوع خانواده*، *نوع ازدواج*، *پایگاه اقتصادی - اجتماعی*، *وضعیت شغلی*، *سطح تحصیلات*، *سن* و *باورهای مذهبی* رابطه‌ی معناداری دارد (Sedaghat, Zrrinian, 2008).

خشونت‌های خانوادگی و تأثیرات آن بر امنیت در جامعه (نمونه‌ی مورد مطالعه: شهر سنجند)، عنوان پژوهش دیگری است که توسط مرادی و زندی در سال ۱۳۸۷ انجام شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که بین متغیرهای *نگرش‌های مردسالاری*، *نگرش‌های مذهبی*، *تجربه‌ی خشونت* و *میزان خشونت با امنیت اجتماعی* رابطه‌ی معناداری وجود دارد. هم‌چنین نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که، به ترتیب، متغیرهای *میزان خشونت خانوادگی*، *نگرش‌های*

مذهبی و نگرش‌های مردسالاری، با ورود به معادله‌ی رگرسیونی بیش‌ترین تأثیر را بر متغیر وابسته (امنیت اجتماعی) داشته‌اند (Moradi, Zandi, 2007).

پژوهش دیگری با عنوان *رابطه‌ی مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی خانواده با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم‌آباد*، توسط ملکی و نژادسبزی در سال ۱۳۸۹ انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که میان مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و خشونت خانگی رابطه‌ی معناداری برقرار است (Maleki, Nezhadsabzi, 2010). نهایتاً این که، پژوهشی با عنوان *خشونت در خانواده‌های ایرانی*، توسط ساروخانی در سال ۲۰۱۱ انجام شده است و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که از میان ۱۵۲۱ خانواده، تعداد ۲۵۱ خانواده تجربه‌ی خشونت خانوادگی داشتند. هم‌چنین از میان فرضیات این پژوهش، فرضیه‌ی تأثیر معکوس تحصیلات مردان بر میزان خشونت خانوادگی تأیید شده است (Saroukhani, 2011).

از مجموع مباحث ارائه شده در مبانی و چارچوب نظری این پژوهش بر می‌آید که در بررسی موضوع خشونت خانوادگی عوامل متعدد و گوناگونی نقش ایفا می‌کنند. در یک دسته‌بندی می‌توان این نظریه‌ها را به دو گروه اصلی تقسیم کرد. در حالی که برخی از این نظریه‌ها بر تأثیر عوامل بیرونی خانواده بر وقوع یا عدم وقوع خشونت خانوادگی تأکید می‌کنند (مانند نظریه‌های نظارت اجتماعی، زمینه‌ی فرهنگی، فشارهای اقتصادی)، سایر نظریه‌ها نقش عوامل درونی مؤثر بر خشونت خانوادگی را مهم می‌شمارند (مانند نظریه‌های ارتباطات خانوادگی، بحران معنویت و نظریه‌ی منابع). پژوهش‌های تجربی انجام شده نیز هر یک به بخشی از متغیرهای اثرگذار بر پدیده‌ی خشونت خانوادگی پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به رابطه‌ی میان حمایت اجتماعی (Dunham, 1997)، روحیه‌ی مذهبی (Gillum et al, 2006)، تحصیلات (Sedaghat, Zrrinian, 2008; Saroukhani, 2011) با خشونت خانوادگی اشاره کرد. در این پژوهش نیز با استفاده از نظریه‌های مطرح شده و نیز متغیرهای شناسایی شده در پژوهش‌های گذشته، مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به طور کلی فرضیات این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. خشونت خانوادگی در گروه تحصیلات تفاوت معنی دار وجود دارد.
۲. بین رضایت‌مندی اقتصادی خانواده با خشونت خانوادگی رابطه‌ی معنادار و معکوس وجود دارد.
۳. بین کیفیت ارتباطات خانوادگی با خشونت خانوادگی رابطه‌ی معنادار و معکوس وجود دارد.
۴. بین حمایت اجتماعی و خشونت خانوادگی رابطه‌ی معنادار و معکوس وجود دارد.
۵. بین ارزش‌های معنوی و خانوادگی با خشونت خانوادگی رابطه‌ی معنادار و معکوس وجود دارد.

پژوهش کمی دارای انواع مختلفی است. یکی از انواع پرکاربرد و مهم آن پیمایش است. مک نیل معتقد است که پیمایش اجتماعی روش گردآوری حجم وسیعی از اطلاعات به شکل آماری از تعداد زیادی از مردم در زمان نسبتاً کوتاه می‌باشد (McNeil, 1997). در این پژوهش با توجه به موضوع و گستردگی جمعیت مورد مطالعه از روش پیمایشی استفاده شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شهروندان شهر کاشان بوده و حجم نمونه نیز به وسیله‌ی فرمول کوکران برابر با ۳۰۰ نفر تعیین شده است. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش، نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده بوده است. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شده است. پیش از انجام بخش تجربی ابزار گردآوری اطلاعات از نظر پایایی مورد آزمون قرار گرفت. در این زمینه، برای برآورد پایایی پرسشنامه تعداد ۳۵ پرسشنامه در پیش آزمون مورد استفاده قرار گرفته و با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ پایایی آن مورد سنجش قرار گرفت. جدول ۲ ضمن ارائه‌ی میزان ضرایب آلفای کرونباخ، گویه‌های شاخص‌ها را نیز نشان می‌دهد.

جدول ۱: شاخص‌های اصلی پژوهش و گویه‌های شاخص‌ها

شاخص	گویه‌های شاخص‌ها
رضایت‌مندی اقتصادی خانواده (آلفای کرونباخ: ۰/۸۴۲)	۱. سطح درآمد خانواده، ۲. وضعیت اشتغال سرپرست خانواده، ۳. میزان رضایت شغلی پدر یا سرپرست اصلی خانواده، ۴. میزان ثبات شغلی پدر یا سرپرست اصلی خانواده، ۵. میزان ساعات کاری پدر یا سرپرست اصلی خانواده، ۶. میزان انتظارات مادی اعضای خانواده نسبت به سطح درآمد خانواده و ۷. میزان قناعت مادی و یا تجمل‌گرایی در میان اعضای خانواده.
کیفیت ارتباطات خانوادگی (آلفای کرونباخ: ۰/۸۱۹)	۱. میزان ارتباطات مناسب و صمیمانه میان فرزندان، ۲. میزان ارتباط مناسب و صمیمانه میان والدین و فرزندان، ۳. میزان ارتباطات صحیح میان والدین در مورد پرورش فرزندان، ۴. میزان ارتباطات صحیح میان والدین در مورد امور مربوط به خانه، ۵. میزان ارتباطات صحیح میان والدین در مورد ارتباط با دیگران، ۶. میزان هم‌کاری و تفاهم میان اعضای خانواده، ۷. میزان سرزنش کردن در میان اعضای خانواده و ۸. میزان توهین و تحقیر در میان اعضای خانواده.
حمایت اجتماعی (آلفای کرونباخ: ۰/۷۶۵)	۱. میزان قوانین حقوقی مربوط به خانواده، ۲. میزان اطلاع‌رسانی در زمینه‌ی ارتباطات صحیح میان اعضای خانواده (در قبل از ازدواج برای جوانان)، ۳. وجود مؤسسات مشاوره‌ای و مددکاری جهت حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده، ۴. آموزش راه‌های پیش‌گیری از خشونت از سوی ناظران و مؤسسات اجتماعی و ۵. میزان حمایت از خانواده‌های دارای مشکلات اقتصادی و اخلاقی (مانند بیکاری و اعتیاد سرپرست خانواده) از سوی مسئولان جامعه.
ارزش‌های معنوی و خانوادگی (آلفای کرونباخ: ۰/۸۴۲)	۱. میزان اعتقادات مذهبی در خانواده، ۲. میزان پایبندی به اصول اخلاقی در خانواده، ۳. میزان آشنایی با زندگی معصومین و به‌کارگیری آن‌ها در زندگی خانوادگی، ۴. میزان مادی‌گرایی و توجه به ظواهر در خانواده، ۵. میزان اهمیت و پایبندی به ارزش‌های

خانوادگی و ۶. میزان مسئولیت‌پذیری در خانواده (مانند پرورش فرزندان).

۱. میزان مشاجره بین والدین، ۲. میزان برخورد فیزیکی بین والدین، ۳. میزان مشاجرات خانوادگی، ۴. میزان برخورد فیزیکی در میان فرزندان خانواده، ۵. میزان مشاجرات خانوادگی میان والدین و فرزندان، ۶. میزان برخورد فیزیکی میان والدین و فرزندان، ۷. میزان تحکم والدین در تصمیم‌گیری‌ها، ۸. میزان تحکم فرزندان در تصمیم‌گیری‌ها، ۹. میزان احترام متقابل میان والدین، ۱۰. میزان احترام متقابل میان فرزندان، ۱۱. میزان احترام متقابل میان والدین و فرزندان.

یافته‌های پژوهش

مشخصات عمومی پاسخ‌گویان

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که: از نظر جنس، ۲۳۰ نفر از پاسخ‌گویان زن و ۷۰ نفر مرد هستند؛ از نظر سن، ۳۱ درصد ۱۸-۲۲ سال، ۴۶/۳ درصد ۲۶-۲۲ سال و ۲۲/۹ درصد در رده‌ی سنی بالاتر از ۲۶ سال (تا ۵۰ سال) قرار دارند؛ از نظر وضعیت تأهل، ۶۷/۷ درصد مجرد و ۳۲/۳ درصد متأهل می‌باشند؛ از نظر محل سکونت، ۹۱ درصد شهرنشین و ۹ درصد روستانشین بوده‌اند؛ هم‌چنین از نظر میزان تحصیلات، ۲ درصد ابتدایی، ۳ درصد راهنمایی، ۲/۷ درصد دیپلم؛ ۴۲/۷ درصد کاردانی؛ ۴۸/۳ درصد کارشناسی و ۱/۳ درصد در مقطع کارشناسی ارشد قرار داشتند. هم‌چنین بیش‌ترین میزان فراوانی و درصد، از نظر میزان تحصیلات پدر، در طبقه‌ی تحصیلات ابتدایی با ۱۳۴ نفر (۴۴/۷ درصد)؛ از نظر میزان تحصیلات مادر، در طبقه‌ی تحصیلات ابتدایی با ۱۴۷ نفر (۴۹ درصد)؛ از نظر وضعیت شغلی پدر، در گروه مشاغل آزاد با ۷۱ نفر (۲۳/۷ درصد)؛ از نظر وضعیت شغلی مادر در گروه خانه‌داران با ۲۶۹ نفر (۸۹/۷ درصد)؛ از نظر میزان درآمد ماهیانه‌ی پدر، در طبقه‌ی ۴۰۰-۶۰۰ هزار تومان با ۱۱۵ نفر (۳۸/۳ درصد)؛ از نظر میزان درآمد ماهیانه‌ی مادر، در طبقه‌ی بدون درآمد با ۲۷۴ نفر (۹۱/۳ درصد)؛ از نظر قیمت تقریبی منزل، در طبقه‌ی ۵۰-۱۰۰ میلیون تومان با ۱۳۷ نفر (۴۵/۷ درصد) و از نظر قیمت تقریبی اتومبیل، در طبقه‌ی کمتر از ۱۰ میلیون تومان با ۷۶ نفر (۲۵/۳ درصد) قرار داشته‌اند.

توصیف متغیرهای اصلی پژوهش

در این بخش، میزان فراوانی و درصد متغیرهای پژوهش شامل تحصیلات، حمایت اجتماعی، ارزش‌های معنوی و خانوادگی، کیفیت ارتباطات خانوادگی، رضایتمندی اقتصادی خانواده و خشونت خانوادگی، در قالب جدول زیر در سه طبقه‌ی پایین، متوسط و بالا ارائه شده است.

متغیرها	فراوانی طبقات			میانگین	انحراف استاندارد
	پایین	متوسط	بالا		
تحصیلات	۱۵	۱۳۶	۱۴۹	۲/۴۴۶	۰/۵۹۰
حمایت اجتماعی	۱۴	۱۹۸	۸۸	۲/۲۴۶	۰/۵۲۹
ارزش‌های معنوی و خانوادگی	۲۹	۱۸۹	۸۲	۲/۱۷۶	۰/۵۸۳
کیفیت ارتباطات خانوادگی	۳۲	۱۱۰	۱۵۸	۲/۴۲۰	۰/۶۷۷
رضایت‌مندی اقتصادی خانواده	۲۲	۱۱۸	۱۶۰	۲/۴۶۰	۰/۶۲۹
خشونت خانوادگی	۹	۲۲۰	۷۱	۲/۲۰۶	۰/۴۷۴

با توجه به جدول فوق، میزان حمایت اجتماعی (با میانگین ۲/۲۴۶)، ارزش‌های معنوی و خانوادگی (با میانگین ۲/۱۷۶) و خشونت خانوادگی (با میانگین ۲/۲۰۶) در سطح متوسط، و رضایت‌مندی اقتصادی خانواده (با میانگین ۲/۴۶۰)، کیفیت ارتباطات خانوادگی (با میانگین ۲/۴۲۰) و تحصیلات (با میانگین ۲/۴۴۶) در سطح بالایی قرار دارد. لازم به ذکر است در مورد متغیر تحصیلات، مقاطع ابتدایی و راهنمایی در طبقه‌ی پایین، دیپلم و کاردانی در طبقه‌ی متوسط و کارشناسی و کارشناسی ارشد در طبقه‌ی بالا قرار گرفته‌اند.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

در این بخش با استفاده از تحلیل‌های دو متغیره و برخی از آزمون‌های آماری، هم‌چون آزمون T و آزمون ضریب همبستگی پیرسون به بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل و وابسته و بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است.

فرضیه اول: خشونت خانوادگی بر اساس محل سکونت تفاوت معنی دار وجود دارد.

جدول ۳: مقایسه محل سکونت و خشونت خانوادگی

محل سکونت	فراوانی	میانگین	درجه آزادی	T	Sig
شهر	۲۷۳	۳۹/۱۳۵	۲۹۸	۳/۵۵۴	۰/۰۰۰
روستا	۲۷	۳۵/۸۵۱			

مقایسه‌ی میانگین‌های خشونت خانوادگی در بین ساکنان شهر و روستا، و هم‌چنین میزان سطح آلودگی آزمون T ($T=۳/۵۵۴$)، نشان دهنده‌ی آن است که بین این دو متغیر رابطه‌ی

معناداری وجود دارد؛ به بیان دیگر، میزان خشونت خانوادگی بین شهر و روستا اختلاف معناداری باهم دارند و میزان آن در بین خانواده‌های شهری بیش‌تر از خانواده‌های روستایی است. فرضیه دوم: خشونت خانوادگی در گروه تحصیلات تفاوت معنی دار وجود دارد.

جدول ۴: مقایسه تحصیلات و خشونت خانوادگی

Sig	F	میانگین	فراوانی	تحصیلات
		۴۲/۵۰۰	۶	ابتدایی
		۳۵/۴۴۴	۹	راهنمایی
۰/۰۰۰	۱۰/۰۱۶	۳۷/۷۵۰	۸	دیپلم
		۳۸/۵۲۳	۱۲۸	کاردانی
		۳۹/۵۹۳	۱۴۵	کارشناسی
		۲۶/۰۰۰	۴	کارشناسی ارشد

مقایسه‌ی میانگین‌های خشونت خانوادگی در بین مقاطع تحصیلی، و هم‌چنین میزان و سطح معناداری آزمون $F (F = ۱۰/۰۱۶)$ ، نشان دهنده‌ی آن است که بین این دو متغیر رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ به بیان دیگر، میزان خشونت خانوادگی بین مقاطع گوناگون تحصیلی اختلاف معناداری باهم دارند. بر این اساس بیشترین میزان خشونت خانوادگی در میان پاسخ‌گویان با سطح تحصیلات ابتدایی (با میانگین ۴۲/۵۰۰) و کمترین میزان خشونت خانوادگی در میان پاسخ‌گویان با سطح تحصیلات کارشناسی ارشد (با میانگین ۲۶/۰۰۰) قرار دارد.

فرضیه سوم: بین متغیرهای تحقیق با خشونت خانوادگی رابطه‌ی معنی دار وجود دارد.

جدول ۵: نتایج آزمون‌های روابط میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته‌ی پژوهش («خشونت خانوادگی»)

نوع رابطه در تحلیل مسیر	نتیجه‌ی نهایی آزمون	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیرهای مستقل
رابطه‌ی مستقیم	وجود رابطه‌ی معنادار و معکوس	۰/۰۰۰	-۰/۳۷۲	حمایت اجتماعی
رابطه‌ی مستقیم	وجود رابطه‌ی معنادار و معکوس	۰/۰۰۰	-۰/۳۲۳	ارزش‌های معنوی و خانوادگی
رابطه‌ی غیرمستقیم	وجود رابطه‌ی معنادار و معکوس	۰/۰۰۰	-۰/۲۹۶	کیفیت ارتباطات خانوادگی
رابطه‌ی غیرمستقیم	وجود رابطه‌ی معنادار و معکوس	۰/۰۰۰	-۰/۲۲۸	رضایت‌مندی اقتصادی خانواده

جدول شماره‌ی ۵ بر اساس آزمون ضریب همبستگی پیرسون، نشان می‌دهد که متغیرهای حمایت اجتماعی، ارزش‌های معنوی و خانوادگی، کیفیت ارتباطات خانوادگی و رضایت‌مندی

اقتصادی خانواده دارای همبستگی معنادار و معکوس با خشونت خانوادگی هستند. به عبارت دیگر، هرچه میزان حمایت اجتماعی، ارزش‌های معنوی و خانوادگی، کیفیت ارتباطات خانوادگی و رضایت‌مندی اقتصادی خانواده در سطح بالایی قرار داشته باشند از میزان خشونت خانوادگی کاسته می‌شود.

فرضیه چهارم: ارزش‌های معنوی و خانوادگی و حمایت اجتماعی پیش‌بینی معنی‌داری برای خشونت خانوادگی است.

تحلیل رگرسیون این امکان را برای محقق فراهم می‌کند تا تغییرات متغیر وابسته را از طریق متغیرهای مستقل، پیش‌بینی و سهم هر یک از متغیرهای مستقل را در تبیین متغیر وابسته تعیین کند (Kalantari, 2003). به طور کلی روش‌های تحلیل رگرسیونی عبارت‌اند از: ۱. روش هم‌زمان، ۲. روش گام به گام، ۳. روش حذف، ۴. روش پس‌رونده و ۵. روش پیش‌رونده (Habibpour Gatabi, Safari Shali, 2011). در این پژوهش از روش گام به گام^۱ استفاده شده است. در این روش متغیرهای مستقل پژوهش به صورت گام به گام، یا مرحله به مرحله، انتخاب شده و وارد معادله می‌شوند و این کار تا زمانی ادامه می‌یابد که خطای آزمون معناداری به ۵ درصد برسد (Habibpour Gatabi, Safari Shali, 2011). جدول زیر با استفاده از این روش به پیش‌بینی متغیر وابسته (خشونت خانوادگی) می‌پردازد.

جدول ۶: تحلیل گام به گام رگرسیونی برای پیش‌بینی خشونت خانوادگی

مراتب ورود متغیرها	متغیرهای وارد شده	R	R ²	R ² تعدیل شده	اشتباه استاندارد
گام اول	حمایت اجتماعی	۰/۳۷۲	۰/۱۳۸	۰/۱۳۵	۴/۳۴۰
گام دوم	ارزش‌های معنوی و خانوادگی	۰/۴۰۸	۰/۱۶۷	۰/۱۶۱	۴/۲۷۵

با توجه به جدول بالا، تحلیل رگرسیونی تنها تا دو گام پیش رفته است: در گام اول متغیر حمایت اجتماعی و در گام دوم متغیر ارزش‌های معنوی و خانوادگی وارد معادله شده است. بر اساس جدول بالا، ضریب همبستگی چند متغیره (R) در گام دوم ۰/۴۰۸ است. ضریب تعیین (R²) به دست آمده در گام دوم نیز نشان می‌دهد که دو متغیر وارد شده به معادله در مجموع می‌توانند حدود ۰/۱۶۷ (۱۶/۷ درصد) از واریانس خشونت خانوادگی را پیش‌بینی یا تبیین کنند. به عبارت دیگر، متغیرهای مذکور در مقایسه با دیگر متغیرهای پژوهش بیش‌ترین تأثیر منفی را بر متغیر وابسته‌ی پژوهش دارند.

جدول ۷: عناصر متغیر درون معادله‌ی رگرسیونی برای پیش‌بینی خشونت خانوادگی

¹. Stepwise

نام متغیر	B	Beta	T	Sig. (T)
حمایت اجتماعی	-۰/۳۶۳	-۰/۲۸۳	-۴/۷۱۴	۰/۰۰۰
ارزش‌های معنوی و خانوادگی	-۰/۱۹۰	-۰/۱۹۰	-۳/۱۷۵	۰/۰۰۲

جدول بالا نشان می‌دهد که از میان چهار متغیر مستقل (دارای رابطه‌ی معنادار)، تنها دو متغیر، یعنی حمایت اجتماعی و ارزش‌های معنوی و خانوادگی (در سطح اطمینان ۹۹ درصد) توانسته وارد معادله‌ی رگرسیونی شده و متغیرهای دیگر، یعنی کیفیت ارتباطات خانوادگی و رضایت‌مندی اقتصادی خانواده، دارای همبستگی منفی کافی با متغیر وابسته نبوده‌اند که بتوانند وارد این معادله شوند، به همین دلیل از معادله خارج شده‌اند. این قضیه بدین معناست که متغیر کیفیت ارتباطات خانوادگی و رضایت‌مندی اقتصادی خانواده در مقایسه با متغیرهای درون معادله‌ی رگرسیونی، یعنی حمایت اجتماعی و ارزش‌های معنوی و خانوادگی، تأثیر منفی کم‌تری بر متغیر وابسته دارند. به طور کلی، با توجه به آزمون‌های رگرسیونی، شکل عمومی رگرسیون سه متغیره‌ی به دست آمده به صورت زیر است. این معادله‌ی رگرسیونی نشان می‌دهد که مهم‌ترین متغیرهایی که می‌توان به واسطه‌ی آن‌ها خشونت خانوادگی را پیش‌بینی (تبیین) کرد به ترتیب عبارتند از: حمایت اجتماعی و ارزش‌های معنوی و خانوادگی.

$$Y = 48/645 + (-0/363)(\text{حمایت اجتماعی}) + (-0/190)(\text{خانوادگی})$$

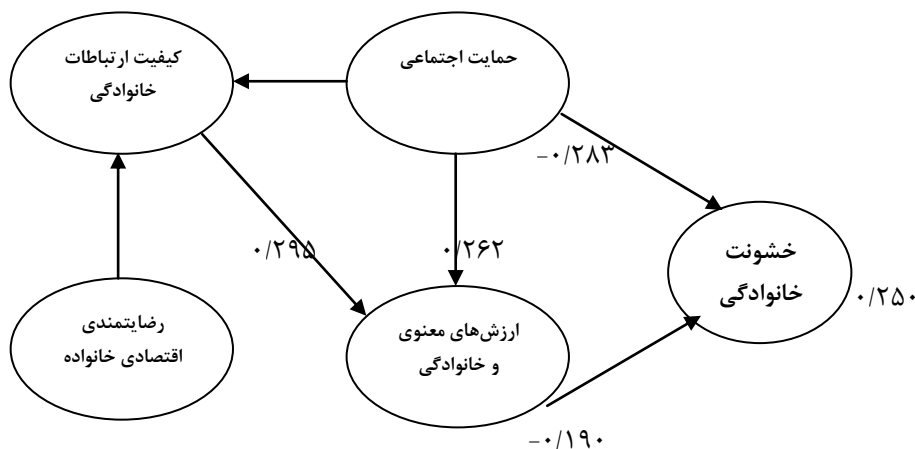
تحلیل مسیر یکی از روش‌های پیشرفته‌ی آماری است که نشان‌دهنده‌ی چگونگی تأثیرات علی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و همچنین تأثیر متغیرهای مستقل بر یکدیگر است. به کمک این روش می‌توانیم علاوه بر تأثیرات مستقیم، تأثیرات غیرمستقیم هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را از طریق ضرایب مسیر شناسایی کنیم. ضرایب مسیر همان پتانها یا ضرایب استاندارد شده‌ی رگرسیون هستند که میزان تأثیر خالص هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته را نشان می‌دهند (Habibpour Gatabi, Safari Shali, 2011).

جدول ۸: محاسبه‌ی مجموع تأثیرات منفی مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

نام متغیر	تأثیر مستقیم	تأثیر غیرمستقیم	تأثیر کل
حمایت اجتماعی	-۰/۲۸۳	-۰/۰۷۱	-۰/۳۵۴
ارزش‌های معنوی و خانوادگی	-۰/۱۹۰	-	-۰/۱۹۰
کیفیت ارتباطات خانوادگی	-	-۰/۰۵۶	-۰/۰۵۶
رضایت‌مندی اقتصادی خانواده	-	-۰/۰۱۴	-۰/۰۱۴

به طور کلی جدول بالا میزان اهمیت متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته‌ی پژوهش در تحلیل رگرسیونی (چند متغیره) و تحلیل مسیر را ارائه می‌دهد. براساس نتایج تحلیل رگرسیونی، متغیر حمایت اجتماعی (با تأثیر کل -۰/۳۵۴) و متغیر ارزش‌های معنوی و خانوادگی (با تأثیر کل

۰/۱۹۰-) با تأثیر منفی مستقیم؛ و متغیرهای کیفیت ارتباطات خانوادگی (با تأثیر کل ۰/۰۵۶-) و رضایت‌مندی اقتصادی خانواده (با تأثیر کل ۰/۰۱۴-) با تأثیر منفی غیرمستقیم بر متغیر وابسته‌ی این پژوهش، یعنی خشونت خانوادگی اثرگذار بوده‌اند. بر این اساس هرچه میزان حمایت اجتماعی، ارزش‌های معنوی و خانوادگی، کیفیت ارتباطات خانوادگی و رضایت‌مندی اقتصادی خانواده در سطح بالاتری قرار داشته باشد، از میزان خشونت خانوادگی در میان جامعه‌ی آماری مورد بررسی کاسته خواهد شد و بر عکس.



شکل ۱. نمودار عوامل مؤثر بر خشونت خانوادگی به همراه ضرایب مسیر

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه خشونت خانوادگی با گونه‌های متفاوت آن، یعنی همسرآزاری، کودک‌آزاری و سالمندآزاری از رایج‌ترین انحرافات اجتماعی در محیط خانواده به شمار می‌آید. مهم‌ترین نظریه‌های مطرح شده در این زمینه به نقش عوامل درونی (مانند ارتباطات میان فردی، معنویت و منابع) و عوامل بیرونی (مانند نظارت اجتماعی، فرهنگ و وضعیت اقتصادی) در ایجاد یا جلوگیری از خشونت خانوادگی تأکید کرده‌اند. اما به علت ابعاد گوناگون فردی و اجتماعی این پدیده، به نظر می‌رسد که نمی‌توان با استفاده از نظریه‌ای خاص آن را تبیین نمود. از این رو، در این پژوهش، با بهره‌گیری از برخی رویکردهای اجتماعی درباره‌ی خشونت خانوادگی، رابطه‌ی میان برخی از عوامل اجتماعی و اقتصادی با خشونت خانوادگی مورد بررسی قرار گرفت. از جمله‌ی این عوامل می‌توان به حمایت اجتماعی، کیفیت ارتباطات خانوادگی، تحصیلات، ارزش‌های معنوی و خانوادگی و رضایت‌مندی اقتصادی اشاره کرد که به ترتیب از نظریه‌های نظارت اجتماعی، شبکه‌ی روابط خانوادگی، زمینه‌ی فرهنگی، بحران معنویت، منابع و فشار اقتصادی، اخذ شده‌اند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که در میان پاسخ‌گویان مورد بررسی، میزان حمایت اجتماعی، ارزش‌های معنوی و خانوادگی و خشونت خانوادگی، در سطح متوسط، و رضایت‌مندی اقتصادی خانواده و کیفیت ارتباطات خانوادگی، در سطح بالایی قرار دارد. نتایج آزمون‌های آماری در این پژوهش نشان می‌دهند که متغیرهای حمایت اجتماعی، ارزش‌های معنوی و خانوادگی، کیفیت ارتباطات خانوادگی و رضایت‌مندی اقتصادی دارای همبستگی معنادار و معکوس با خشونت خانوادگی هستند. به عبارت دیگر، هرچه میزان این متغیرها در رده‌ی بالایی باشد، میزان خشونت خانوادگی در سطح پایینی قرار می‌گیرد. در مجموع، می‌توان گفت داده‌های تجربی، اکثر فرضیات ما در این پژوهش را مورد تأیید قرار دادند. نتایج بخش تحلیل رگرسیونی این پژوهش نیز حاکی از آن بود که متغیرهای حمایت اجتماعی و ارزش‌های معنوی و خانوادگی، بیش‌ترین میزان تأثیرگذاری منفی را بر خشونت خانوادگی دارند. بر این اساس مشاهده می‌شود که نظریه‌های نظارت اجتماعی و بحران معنویت سازگاری بیش‌تری، نسبت به نظریه‌های دیگر، با جامعه‌ی آماری مورد بررسی در زمینه‌ی خشونت خانوادگی دارند. هم‌چنین نتایج تجربی، یافته‌های پژوهش‌های پیشین نظیر تحقیق دونهام، گیلان، صداقت و زرینیان و ساخوانی را مورد تأیید قرار می‌دهد. به طور کلی، می‌توان پیشنهادهای این پژوهش را در موارد زیر خلاصه نمود:

۱. ضرورت گسترش بیش از پیش خدمات حمایتی مراکز مشاوره و روان‌شناختی

خانواده. مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی دولتی و خصوصی، با ارائه‌ی خدمات حمایتی خود به خانواده‌های دارای مشکلات اقتصادی و اخلاقی (مانند بیکاری، اعتیاد و ...)، می‌توانند در ایجاد و ترویج خانواده‌ی سالم در جامعه مؤثر واقع شوند. در سال‌های اخیر تلاش‌هایی در این زمینه در سطح کشور انجام شده است، اما با توجه به روند رو به رشد مسایل اجتماعی خانواده و آسیب‌ها و انحرافات نظیر خشونت‌های خانوادگی، نیازمند تلاش‌هایی در جهت برنامه‌ریزی و آموزش جهت افزایش سطح آگاهی و مهارت‌های زندگی خانوادگی به افراد چه در قبل و چه بعد از ازدواج می‌باشیم.

۲. افزایش فعالیت‌های فرهنگی در جهت احیاء ارزش‌های فرهنگی و معنوی خانواده.

نتایج این پژوهش نشان داد که بین ارزش‌های معنوی و خانوادگی و خشونت خانوادگی رابطه‌ی معنادار و معکوس وجود دارد. از این رو توجه به فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی و معنوی خانواده از سوی نهادهای دولتی و غیر دولتی نظیر ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، مساجد و ... همواره از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است. برای نمونه این نهادها با برگزاری نمایشگاه‌های تخصصی کتاب در زمینه‌ی مهارت‌های زندگی، همایش‌ها، کارگاه‌های آموزشی، اکران فیلم‌ها و مجموعه‌های نمایشی در سینماها و تلویزیون، و در مجموع ارائه‌ی برنامه‌های متنوع و مفرح در اوقات فراغت، چه

در مراکز آموزشی (برای جوانان) و چه در سطح شهر، می‌توانند به رفع خشونت‌های اجتماعی و خانوادگی کمک کرده و افراد را با هنجارهای اجتماعی همراه سازند.

References

Abbott, P.; Wallace, C. (2001). *Sociology of Women (An Introduction to Sociology: Feminist Perspective)*. Translated by :Manizheh Najm Eraghi. Tehran: Nashre-Ney Publications (Persian).

Dunham, K. (1997). *Social Support for Women who are abused in Heterosexual Relationships*. PhD Thesis. Department of Psychology, University of Windsor.

Eezazi, Sh. (2001). *Domestic Violence or Battered Women*. Tehran: Sali Publications (Persian).

Eezazi, Sh. (2004a). "Domestic Violence, Social Violence". *Journal of Iranian Social Problems Studies*. Tehran: Payam-e Noor University Publications (Persian).

Eezazi, Sh. (2004b). "The structure of Society and Violence against Women". *Journal of Social Welfare*, No. 14, P. 61 (Persian).

Gillum, T. L.; Cris, M. S.; Bybee, D. I. (2006). "The importance of Spirituality in the Lives of Domestic Violence Survivors". *The Journal of Violence Against Women*, 12 Year, No. 3, PP. 240-250.

Habibpour Gatabi, K.; Safari Shali, R. (2011). *A Comprehensive Guide to Using SPSS in Survey Researches (Quantitative Data Analysis)*. Tehran: Looyeh and Motafakkeran Publications (Persian).

Heydari, F.; Delkhosh, N. (2005). "Review of forms of Domestic Violence in Military Families". *Result of Military Management Journal*, No. 17 & 18, P. 191 (Persian).

Kalantari, Kh. (2003). *The Processing of Data in Socio-Economic Researches (Using the SPSS Software)*. Tehran: Sharif Publications (Persian).

Maleki, A.; Nezhadsabzi, P. (2010). "The Relationship between Social Capital of Families and Domestic Violence against Women in the city of Khorramabad". *Journal of Iranian Social Problems Studies*, 1 year, No. 2, pp. 31-39 (Persian).

McNeil, P. (1997). *Research Methods in the Social Sciences*. translated by Mohsen Solasi, Tehran: Agah Publications (Persian).

Mohammadi, F.; Mirzaie, R. (2012). "The investigation of Social Factors Affecting Violence Against Women (Case Study in Rayansar

city)". *Social Studies of Iran Journal*, 6 Year, No. 1, pp. 101-103 (Persian).

Monir, M. D.; Badgheysi, S.; Salehi, A.; Kaveh, A. A. (2008). *Domestic Violence, Factors and ways to counter it*. Qom: Tebyan Cultural and Informational Institute (Persian).

Moradi, G.; Zandi, L. (2007). "Domestic Violences and its Effects on Security in Society (Case Study in Sanandaj city)". *Journal of Social Sciences*, Ferdowsi University of Mashhad, 4 Year, No. 2, p. 127 (Persian).

Norwood, W. D.; Jouriles, E. N.; McDonald, R.; Swank, P. R. (2004). "Domestic Violence and Deviant Behavior". in *Violence against Women and Family Violence: Developments in Research, Practice, and Policy*. available in: <https://www.ncjrs.gov/pdffiles1/nij/199701.pdf>.

Pournaghash Tehrani, S. S. (2005). "The Investigation of Domestic Violence in Families in Tehran". *Journal of Daneshvar-e Raftar*, 12 Year, No. 13, p. 24 (Persian).

Resco, S. M. (2007). *Intimate Partner Violence: Exploring Intersections of Race, Class and Gender*. PhD Thesis. The Ohio State University.

Saroukhani, B. (2011). "Violence in Iranian Families", *International Journal of Social Sciences (IJSS)*, 1 Year, No. 3, PP. 241-246.

Sedaghat, K.; Zrrinian, J. (2008). "Social Determinants of Domestic Violence among Families in Tabriz", *Journal of Sociology*, 1 Year, No. 1, p. 111 (Persian).

Seddigh Savenstani, R. (2007). *Social Pathology: Sociology of Social Deviance*. Tehran: SAMT Publications (Persian).

Tolman, R. L. (2001). "Domestic Violence in the Lives of Women Receiving Welfare", *The Journal of Violence Against Women*, 7 Year, No 2, PP. 141-158.